

نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت

محمد رضا امینی سده^۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

چکیده

امنیت یکی از مفاهیم محوری در مباحث حاکمیت در اسلام می باشد که مطابق آیات و روایات تأکید زیادی بر آن شده است. در یک جامعه یکی از مهم ترین کارکردهای نهاد حاکمیت تأمین امنیت در همه ابعاد و حوزه ها می باشد. هدف اصلی این تحقیق نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. بر مبنای نتایج تحقیق، حکومت اسلامی مکلف است با قرائتی مبتنی بر قرآن و سنت و هم چنین با توجه به تحولات جامعه، راهکارهایی متناسب با فرهنگ اسلامی را به کار ببندد تا جامعه در بستر امنیت حرکت متعالی خود را ادامه دهد.

کلیدواژگان: حکومت، امنیت، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی.

نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت

^۸ دانش پژوه مدرسه علمیه شیخ صدوق قم، talabeh2122@gmail.com

مقدمه

اسلام تأمین امنیت را نه صرفاً با توجه به قدرت سیاسی، بلکه بر پایه ارزش‌های سیاسی - اخلاقی دوگانه متعالی و دنیوی، همچون کمال اخلاقی، کرامت و سعادت انسانی و همچنین همزیستی و بهزیستی یا توسعه مدنی در مقابل زندگی بدوی، عدالت اجتماعی و دیگر مصالح عمومی - دنیوی امت اسلامی مورد داوری قرار می‌دهد (قادری، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، ۱۳۸۷: ص ۵۹).

امنیت از مهم‌ترین و برترین نیازهای بشر در زندگی است؛ زیرا سعادت و خوشبختی در گرو تأمین آرامش و آسایش است؛ از این روست که انسان همواره برای به دست آوردن آن تلاش می‌کند و آرزو دارد به گونه‌ای این دو را به دست آورد که از پایایی و مانایی برخوردار باشد و هرگز آرامش و آسایش از زندگی شخصی و اجتماعی رخت بر نهد. البته تأمین آنها در زندگی دنیوی که دایم در حال تغییر و دگرگونی است، شاید سخت و امید به بقا و پایایی و مانایی آنها نشدنی باشد؛ اما انسان تمام تلاش خود را می‌کند تا در حد توان و ظرفیت زندگی دنیوی آنها را تأمین کند و در همین راستا به همکاری‌های اجتماعی در قالب‌های اجتماعات کوچک چون خانواده یا بزرگ چون اجتماعی قومی یا فکری در قالب دولت ملی یا دولت امتی رو می‌آورد. اهمیت مسئله تحقیق از این جهت است که بالندگی و اعتلای مادی و معنوی در جوامع بدون وجود امنیت امری تقریباً محال می‌باشد و دولت‌ها و حاکمان موظفند در راستای وظایف محوله امنیت را برای جوامع به ارمغان بیاورند. در قرآن کریم و روایات، آیات و روایات بسیاری به اهمیت امنیت و جایگاه رفیع آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی و... انسان اختصاص داده شده است؛ لذا با توجه به این موارد بررسی نقش حاکمیت در بستر سازی امنیت از هر حیث شامل اهمیت می‌باشد. بنابراین این پژوهش قصد دارد تا به نقش نهاد حکومتی در تأمین و حفظ امنیت در سه حوزه امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی بپردازد.

مفهوم امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت، از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه شده است (اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، ۱۳۸۵: ص ۱۹).

در سطح اصطلاحی برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد و تعاریف اصطلاحی متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است (افتخاری، امنیت، ۱۳۹۱: ص ۸۰). یک نمونه تعاریفی که از امنیت ارائه شده است عبارت است از: مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که در مورد حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند (عمیدزنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۷۴: ص ۳۵۷).

امنیت در قرآن و احادیث اسلام

باید توجه داشت نگاه قرآن به مفهوم سیاسی اجتماعی امنیت، بر پایه رویکرد هدایتی قرآن و در پیوند با بخشی از مفاهیم اسلامی است؛ زیرا قرآن امنیت را نعمتی از سوی و فرجامی حتمی برای مؤمنان صالح می‌داند و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... لَيُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَيُعْطِيهِم مِّنْ فَضْلِهِ كَمَا نَبَأَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۵۵) و نبودن امنیت را وسیله‌ای برای امتحان (بقره، ۵۵) یا به سبب کفران نعمتهای خدا معرفی می‌کند (حسینی، امنیت و اهمیت آن در قرآن، ۱۴۰۱).

آفات ایجاد ناامنی (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) توسط حکومت

در آیات و روایات آفات برای امنیت بیان شده است. در حقیقت عواملی که موجب ناامنی می‌شود در این آیات و روایات بیان شده است. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: (سلطانی، امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات، ۱۳۹۸)

۱. تفرقه: شاید مهم‌ترین خطری که امنیت فراگیر و جامع را در هر جامعه‌ای تهدید می‌کند، خطر تفرقه است؛ زیرا امنیت در سایه وحدت ایجاد می‌شود و اگر به جای وحدت تفرقه جایگزین شود، به جای امنیت نیز ناامنی و خوف جایگزین خواهد شد. امیرمؤمنان امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ به مردم هشدار می‌دهد تا از تفرقه پرهیز کنند؛ زیرا آفت مهم امنیت است.

۲. ظلم و ستم: ستمگری از دیگر عوامل موثر در ایجاد ناامنی و فقدان آن است. خداوند درباره این عامل ناامنی می‌فرماید: آنان که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم نیالودند، ایشان راست‌انگین، و هم ایشان اند ره یافتگان» (انعام، ۸۲).

۳. کفران و ناسپاسی: از دیگر عوامل منفی تاثیرگذار در امنیت زدایی از فرد و جامعه باید به کفران و ناسپاسی اشاره کرد. خداوند می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر جا فراوان می‌رسید. پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس (ناامنی) را به آن چشانید (نحل، ۱۱۲).

نشانه‌های ایجاد امنیت توسط حکومت اسلامی

از آن جایی که امنیت یک امر باطنی و احساس درونی و روانی است، بازتاب و نشانه‌های آن را باید در رفتار و نمودهای خارجی آن یافت؛ یعنی همان طوری که اضطراب و خوف

احساسی روانی و درونی و آثار ظاهری دارد، امنیت نیز چنین است (حسینی، امنیت و اهمیت آن در قرآن، ۱۴۰۱).

در آیات قرآنی نشانه‌های و آثاری برای امنیت بیان شده که می‌توان از طریق آن، از وجود یا عدم وجود و نیز میزان امنیت در افراد یا جامعه آگاه شد. از مهم‌ترین آثار و نشانه‌های امنیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (همان)

- بستر عبادت و بندگی خدا؛ در محیطی که انسان احساس امنیت می‌کند، به آسانی می‌تواند به عبادت و بندگی خداوند پردازد، بی آن که عاملی تهدیدزا و خوف برانگیز این احساس را از میان بردارد.

- امکان تحقیق: در بستر امنیت انسان بدون خوف و ترس می‌تواند به تحقیق علمی و کسب حقیقت پردازد بی آن که موانعی موجب شود تا نتواند برای شناخت حقیقت اقدام کند.
- آزادی گردشگری و سیاحت: گردشگری آزادانه در شب و روز از آثار وجود امنیت است.

- آسایش و رفاه: امنیت و آرامش تأمین‌کننده مولفه و عنصر آسایش و رفاه است. امنیت، زمینه‌ساز رفاه و فراوانی نعمت است.

- سلامت و آرامش خانوادگی: برخی مفسران آرامش روحی افراد و سلامتی خانواده‌ها را از آثار امنیت دانسته‌اند.

- رشد علمی و آزادی‌های گوناگون: پیشرفت و رشد علمی در گرو آزادی اندیشه و تحقیق و بیان است.

امنیت اقتصادی

تعاریف مفصلی از امنیت اقتصادی وجود دارد؛ اما ساده‌ترین تعریف، آن است که مردم در اموال و مالکیت‌هایشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف از آنان

مالیات و زکات اخذ نماید. همچنین از احتکار کالا (به‌ویژه کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم) جلوگیری شده و در خرید و فروشها قیمت‌ها متعادل باشد.

امنیت اقتصادی و انتظام معیشت افراد در حوزه فردی و اجتماعی، در آموزه‌های روایی مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. از دیدگاه روایات، فقر، نه تنها مخل امنیت اقتصادی است، بلکه مایه اخلال و ضعف ایمان و امنیت معنوی افراد و جامعه است. در جای جای نهج‌البلاغه می‌بینیم که پدیده شوم فقر بسیار مورد نکوهش حضرت امیرمومنان امام علی (ع) قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: ای فرزند! من از تهیدستی بر تو هراسناکم. از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص، عقل را سرگردان و عامل دشمنی و برانگیزاننده خشم است (اخوان کاظمی، امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات، ۱۳۸۹: ص ۵۶-۵۹).

برخی از فرازهای نهج‌البلاغه به‌خوبی نمایانگر وجوه متعددی از ماهیت امنیت اقتصادی است؛ به‌عنوان نمونه امام علی (ع)، خطاب به مأموران جمع‌آوری زکات و مالیات این فرمان را صادر کرد: از بنده خدا؛ علی به کارگزاران جمع‌آوری مالیات: ... در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکبیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباسهای تابستانی یا زمستانی، مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی - چه نمازگزار باشد و چه غیر مسلمانی که در پناه اسلام است - دست‌درازی نکنید؛ جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمانها به کار گرفته می‌شود؛ زیرا برای مسلمان جایز نیست آنها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند از پنددادن به نفس خویش هیچ کوتاهی نداشته باشید و از خوشرفتاری با سپاهیان و کمک به رعایا و تقویت دین خدا، غفلت نکنید... (همان).

امام (ع) در نامه خود به مالک اشتر، بر ضرورت تخفیف و اصلاح مالیاتهای سنگین به ویژه در زمان بروز حوادث مصیبت بار تأکید می کند و آن را مایه جلب اعتماد مردم و در نتیجه همراهی افزونتر آنها با حکومت و استواری بیشتر نظام سیاسی دانسته است (همان).

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت ها، هنگامی موثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود.

از نظر قرآن، امنیت اجتماعی از مهم ترین نعمت های الهی و تبلوری از رحمت خداوندی است. پس هر انسانی به دنبال امنیت از جمله امنیت اجتماعی است تا بتواند در آرامش، آسایش را به دست آورد و خوشبختی و سعادت را تجربه کند.

از نظر قرآن، امنیت مطلق یک امر مطلوب است که انسان به طور فطری و طبیعی در تلاش کسب و تأمین آن است. در این میان تأمین امنیت اجتماعی یکی از مهم ترین اقسام امنیت همواره مد نظر انسان، جوامع و رهبران بوده است؛ زیرا جامعه ای به رشد و شکوفایی می رسد و از نظر اقتصادی و آسایشی رشد می کند که در آن امنیت اجتماعی تأمین باشد؛ زیرا وقتی امنیت اجتماعی تأمین باشد، به طور طبیعی حقوق افراد جامعه و شهروندان آن تزییع نمی شود و طبقات اجتماعی به یک دیگر ظلم نمی کنند. این گونه است که جامعه حتی از امنیت هایی چون امنیت اقتصادی برخوردار می شود.

دولت ها و حکومت ها باید بدانند که تنها با تکیه بر قدرت اطلاعاتی و نظامی و تأمین امنیت خارجی، نمی توان امنیت اجتماعی جامعه را تأمین کرد. دولت مردانی که بخواهند جامعه آنها از امنیت کامل برخوردار باشد، باید تلاش کنند از اختلافات داخلی و خارجی بکاهند، عدل و انصاف را بگسترند و مردم را به سپاس گذاری از نعمت های الهی، تشویق نمایند؛ چرا که هر

چه اختلافات و تجاوز به حقوق دیگران، کمتر، و سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی بیشتر باشد، جامعه از امنیت و آرامش افزون‌تری برخوردار خواهد بود.

تأمین امنیت اجتماعی نه تنها برای امت هم مقصد، بلکه برای همه شهروندان باید فراهم آید؛ یعنی چه کسانی که از نظر فکری و عملی همراه دولت و نظام سیاسی هستند؛ و چه کسانی که از نظر فکری و رفتاری در تقابل با این دولت و نظام سیاسی هستند، اما حرکت حذفی انجام نمی‌دهند. بنابراین، هر کسی که در جامعه زندگی می‌کند تا زمانی که رفتار و حرکت حذفی خشونت‌بار نداشته باشد و نظام سیاسی را تهدید نکند، باید از امنیت اجتماعی برخوردار باشد.

امنیت اجتماعی در قالب روابط بین شهروندی باید به گونه‌ای فراهم آید که هیچ شهروندی حق و حقوق شهروندی دیگر را در مناسبات اجتماعی تضییع، مخدوش و مختل نسازد، بلکه هر یک بتوانند در چارچوب امنیت شهروندی زندگی در سایه آرامش و امنیت را تجربه کنند. اگر در جامعه‌ای، افراد بر خلاف قوانین رفتار کنند و حقوق شهروندی یک دیگر را مراعات نکنند، چنین جامعه‌ای با بحران فقدان امنیت اجتماعی مواجه است و شهروندان آن احساس امنیت را از دست می‌دهند.

برای تأمین امنیت اجتماعی افزون بر نقش دولت به عنوان قانونگذاران و قانون‌گزاران و تأمین‌کنندگان امنیت اجتماعی، باید به نقش مردم و شهروندان در ایجاد و بقای آن توجه بیش‌تری مبذول کرد؛ زیرا این شهروندان هستند که در حقیقت ایجاد‌کننده و حافظ امنیت اجتماعی هستند. آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم جامعه‌پذیری نقش اساسی در تأمین امنیت اجتماعی در جوامع بشری دارد. پس باید به کودکان و نوجوانان و جوانان آموخت همان طوری که مطالبه‌گر حقوق شهروندی خود هستند باید حقوق شهروندی دیگران را مراعات کنند.

امنیت جانی و عرضی و ناموسی، در چارچوب امنیت اجتماعی معنا می یابد. پس جامعه باید چنان باشد که شخص در امنیت کامل جانی باشد و کسی تهدید به قتل نشود؛ چنان که امنیت اخلاقی در آن جامعه فراهم باشد و آبرو و عرض اشخاص و ناموس آنان تهدید نشوند.

اگر در جامعه ای شرایط به گونه ای باشد که عرض و آبروی افراد در معرض خطر باشد یا کسانی تهدید به ربایش کنند و فرزندان یا خود انسان را ربایند، آن جامعه فاقد امنیت اجتماعی است. دولت و ملت باید تلاش کند تا با بهره گیری از ابزارها و امکانات از جمله نیروی انتظامی، امنیت اجتماعی را تأمین کند و اجازه داده نشود که شهروندان تهدید به ربایش شده و یا عرض و آبروی آنان در معرض خطر قرار گیرد.

امنیت اجتماعی باید در شهر و خانه فراهم باشد، به طوری که شهروند در شهر و کاشانه خویش احساس امنیت بکند و ترس از تجاوز و غارت و قتل نداشته باشد.

امنیت راه ها نیز در ساختار امنیت اجتماعی تعریف می شود؛ به این معنا که نیروی انتظامی مسئولیت تأمین امنیت راه ها را به عهده می گیرد تا مال و جان و عرض مردم در مسیر به دست دزدان غارت نشود و از میان نرود. هم چنین امنیت اماکن مقدس و برگزاری مراسم و آیین های مذهبی نیز در ساختار امنیت اجتماعی معنا می یابد. اگر اماکن مذهبی و برگزارکنندگان مراسم آیینی تأمین شود، می توان گفت که امنیت اجتماعی به شکل کامل فراهم آمده است (جوهر دهی، بررسی اهمیت امنیت اجتماعی از نگاه قرآن، ۱۳۹۶: ص ۸).

امنیت سیاسی

امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئی تری را دربردارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت / آزادی های سیاسی افراد است (سطح خرد).

بر این اساس و با مطالعه حقوق سیاسی که برای «افراد» در یک جامعه اسلامی از سوی فقها ترسیم شده است، می‌توان سه حق برای افراد در نظر گرفت که نیازمند صیانت، پاسداری و احترام از سوی دولت می‌باشد و در اعمال این حقوق، افراد باید احساس امنیت داشته باشند. به عبارت دیگر، «موضوعات» امنیت سیاسی افراد عبارت‌اند از: حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن.

حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی: یکی از نخستین وجوه امنیت سیاسی افراد، این است که آنها بتوانند اولاً، نسبت به همه عقاید و گرایش‌های سیاسی بیندیشند و تحقیق و بررسی نمایند (آزادی / امنیت در اندیشه)؛ ثانیاً، یکی از این عقاید و گرایش‌ها را بپذیرند (آزادی / امنیت در عقیده)؛ ثالثاً، آن عقیده و گرایش سیاسی خود را ابراز و تبلیغ نمایند (آزادی / امنیت در بیان).

در حوزه امر سیاسی، امنیت اندیشه، عقیده و بیان، هم نسبت به شخص حاکم جامعه اسلامی (حاکمیت) و مشروعیت او می‌تواند مطرح شود و هم نسبت به مبنا و اعتقادات و زیربنای فکری حکومت (ایدئولوژی یا تئوری حاکمیت یا مبناى مشروعیت حکومت) می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، تأثیری که این اندیشه، عقیده و بیان در نظم عمومی دارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، چنانچه عقیده فردی همسو و هماهنگ با تئوری پذیرفته شده و تثبیت شده موجود باشد که طبعاً مشکل و محدودیت خاصی برای ابراز آن قابل تصور نیست، جز اینکه نباید این عقاید حقه به گونه‌ای نشر داده شود که باعث وهن مذهب یا اخلال در نظم و امنیت جامعه یا برانگیختن اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی بشود. اما اگر عقیده سیاسی فرد، بر مخالفت با مشروعیت حاکم یا مشروعیت حاکمیت یا نظم جامعه اسلامی مبتنی باشد، با سه محدودیت مواجه خواهد بود و ضمانت اجرای دنیوی (قابلیت مجازات) یاف‌ته است.

حق انتخاب شدن: جلوه دیگر امنیت سیاسی در سطح فردی را می توان در حق

انتخاب شدن و به عبارتی، حق و امکان افراد برای اینکه بتوانند به عالی ترین مناصب مدیریت جامعه برسند، دانست. به عبارت دیگر، اگر شهروندان این امکان را پیش روی خویش ببینند که در صورتی که بخواهند، می توانند با کوشش و برنامه ریزی به بالاترین سطوح حاکمیت دست یابند، نوعی احساس آرامش و امنیت خواهند کرد.

تأسیس نهاد «ولایت»، با ویژگی ها، شرایط و وظایفی که برای آن بیان شده است، نه تنها امنیت سیاسی افراد را در موضوع «حق بر انتخاب شدن» نفی نمی کند، بلکه آن را به گونه ای متعالی و سازمان یافته به جوامع انسانی عرضه می کند تا در سایه آن، امنیت در دیگر حوزه ها نیز تأمین گردد.

حق انتخاب کردن: شاید بتوان یکی از مهم ترین موضوعات در امنیت سیاسی

شهروندان را این امر دانست که آیا آنها حق مشارکت سیاسی دارند و می توانند در امور سیاسی نظام حکومتی شان مداخله کنند یا خیر و به چه میزان این مشارکت پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، چنانچه شهروندان این حق را داشته باشند تا آزادانه، حاکمان جامعه خود را برگزینند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم باشند، به گونه ای که هیچ قدرت خارجی نتواند اخلالی در حق انتخاب آنها به وجود بیاورد، از این جهت احساس امنیت خواهند کرد و در امنیت سیاسی به سر خواهند برد (رحمت الهی و همکاران، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، ۱۳۹۴).

موارد تجویز اعمال خشونت مشروع و قانونی: اجتماعات برای تأمین خوشبختی

بشر شکل می گیرد؛ زیرا هر کسی به تنهایی نمی تواند سعادت و خوشبختی را تأمین کند؛ چرا که خوشبختی یعنی آرامش و آسایش به تنهایی دست یافتنی نیست؛ زیرا انسان نیازهای عاطفی دارد که او را به سمت فراتر از جمعیت یعنی اجتماع سوق می دهد. انسان موجودی نیست که تنها در جمع بودن بتواند او را راضی و خشنود نگه دارد، بلکه نیازمند اجتماعی است که نیازهای او را

برطرف کند. جمعیتی که هیچ گونه ارتباط و بده و بستانی ندارد، هرگز اجتماع را تحقق نمی بخشد؛ بلکه جمعیتی اجتماع را ایجاد می کند که ارتباط و تعاملات دو سویه در میان آنان برقرار است و هر کسی مسئولیتی دارد و بخشی از نیازهای مادی و معنوی و جسمی و روانی را برآورده می سازد.

یک نظام سیاسی به دنبال تأمین آرامش و آسایش مردم باشد و اگر از این مهم بر نیاید فاقد مشروعیت و مقبولیت سیاسی خواهد بود؛ زیرا نتوانسته از کارویژه و فلسفه وجودی خود بر آید. بنابراین یک نظام سیاسی به گونه ای سامان می یابد تا تأمین کننده آرامش و آسایش باشد. مجموعه حکومت و دولت، این مسئولیت را در قالب نهادها به عهده می گیرد و می کوشد تا تأمین کننده خوشبختی با ایجاد آرامش و آسایش باشد.

از آن جایی که قوای جاذبه و دافعه در نظام اجتماعی و سیاسی همانند قوه شهوت و غضب عمل می کنند، امکان خروج از حد اعتدال و گرایش به سمت افراط را دارا است. از این رو، قوه عاقله به عنوان هماهنگ کننده و سامان دهنده نسبت به عملکردهای قوه جاذبه و دافعه عمل می کند و اجازه نمی دهد مثلاً قوه دافعه که همان نیروهای نظامی و انتظامی است، به افراط گرایش یابد و در محیط داخلی به سرکوب مخالفان و تضييع حقوق شهروندان یا در محیط خارجی به تجاوز و تعدی و خشونت علیه بیگانگان پردازد. در حقیقت این قوه مدیر و مدبر سیاسی است که اجازه نمی دهد قوه دافعه نظامی و انتظامی به خشونت داخلی و خارجی اقدام کند و از حد اعتدال و دفاع خارج و به جنگ افروزی در بیرون مرزها و خشونت علیه شهروندان پردازد.

در یک نظام اجتماعی و سیاسی معتدل و مبتنی بر حد وسط (بقره، ۱۴۳) قوه دافعه تحت مدیریت قوه عاقله امنیت را با بهره گیری از تمام توش و توان فراهم می آورد و خشونت مشروع

و قانونی را تنها علیه بر هم زندگان نظم و قانون شکنان از طریق نیروی انتظامی و متجاوزان به حدود و مرزهای سیاسی از طریق نیروی نظامی اعمال می کند.

پس اگر اعمال خشونتی از سوی نظام سیاسی و اجتماعی در قالب نیروی انتظامی یا نظامی انجام می شود، تنها در چارچوب قانون و مدیریت عقلانی و برای دفع و رفع بحرانی است که از سوی شهروندان قانون شکن یا همسایگان متجاوز به حاکمیت و استقلال کشور انجام می شود (منصوری، امنیت؛ برترین فلسفه وجودی نظام سیاسی، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

در این تحقیق این گونه عنوان گشت که مفهوم امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است و قرآن کریم مهم ترین منبعی است که در اسلام مسئله امنیت را مورد توجه قرار داده است. قرآن کریم به طور کلی امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر شمرده و آن را برای جوامع بشری، ضروری دانسته است. هم چنین بیان شد که امنیت از دیدگاه اسلام و قرآن کریم دارای ابعاد و سطوح مختلفی از جمله ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و.. است و قرآن کریم برای دستیابی به امنیت در هر یک از ابعاد فوق، تدابیری دارد.

نکته مهمی که در پایان این تحقیق، یادآوری آن لازم به نظر می رسد، آن است که در فرهنگ اسلامی، همه مسلمانان، پیکری واحد را تشکیل می دهند. آرمان اصلی، تأمین امنیت برای همه مسلمانان و همه بلاد اسلامی است. هر مسلمانی، وظیفه دارد نسبت به سرنوشت مسلمانان دیگر، حساس باشد. این وظیفه، درباره دولت که از اقتدار و امکان بیش تری برخوردار است، مضاعف است. بنابراین، دولت اسلامی، همان طور که وظیفه دارد «امنیت ملی» را ایجاد کند، وظیفه دارد که «امنیت امت اسلامی» را فراهم آورد.

فهرست منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام، «امنیت در نظام سیاسی اسلام» انتشارات کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۵.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، «امنیت؛ ابعاد و سازوکارهای تامین آن در روایات»، ۱۳۸۹.
۳. افتخاری، اصغر، «امنیت»، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۱.
۴. جواهر دهی، علی، «بررسی اهمیت امنیت اجتماعی از نگاه قرآن»، روزنامه کیهان، ۱۳۹۶.
۵. حسینی، منصور، «امنیت و اهمیت آن در قرآن»، روزنامه کیهان، کد خبر ۲۵۰۶۴۵، ۱۴۰۱.
۶. رحمت اللهی، حسین؛ لک زایی، نجف؛ ارسطو، محمدجواد و حاج زاده، هادی، «امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه»، حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ۱۳۹۴.
۷. سلطانی، سعید، «رابطه عدالت و امنیت»، روزنامه کیهان، کد خبر: ۱۷۸۸۳۷، ۱۳۹۸.
۸. عمیدزنجانی، عباسعلی، «مبانی اندیشه سیاسی اسلام»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
۹. قادری، حاتم، «اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران»، سمت، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. منصوری، خلیل، «امنیت، برترین فلسفه وجودی نظام سیاسی»، ۱۳۹۷.

<https://www.samamos.com>